

پیامدهای عضویت ناظر جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه آفریقا

محمدرضا دهشیری*

چکیده

این مقاله ضمن تبیین فرایند تاریخی عضویت ناظر جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه آفریقا، بر این باور است که اقدام مذکور، دارای فواید و پیامدهای مثبتی در سطوح تحلیل درون قاره‌ای، بین قاره‌ای و فراقاره‌ای است و موجبات ارتقای سطوح همکاری و افزایش هماهنگی مواضع در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم می‌سازد. عضویت ناظر ایران در اتحادیه آفریقا در سطح تحلیل درون قاره‌ای می‌تواند قاره سیاه را در دستیابی به اهدافی از قبیل ارتقای صلح، امنیت، ثبات، توسعه، بهداشت، رفاه، عدالت، وحدت، انسجام و استقلال جمعی و نیز ارتقای ظرفیت‌ها به ویژه در زمینه انرژی از رهگذر کمک به اکتشاف و توسعه میادین نفتی و گازی و مدیریت بحران‌ها، درگیری‌ها و جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای یاری رساند.

در سطح بین قاره‌ای، تقویت همکاری‌ها و ارتباطات ایران و اتحادیه آفریقا در چارچوب نهادهای بین منطقه‌ای از جمله گروه ۷۷، جنبش عدم تعهد و سازمان کنفرانس اسلامی و نیز در چارچوب همکاری نهادهای فوق‌قاره‌ای از قبیل همکاری اکو با اکواس^۱

داری مدرک دکتری و عضو هیات علمی دانشکده روابط بین‌الملل.

^۱. ACOWAS

سادک^۱، کومسا^۲، جامعه شرق آفریقا^۳ و جامعه اقتصادی آفریقا^۴، می‌تواند در ارتقای ظرفیت‌های بین‌قاره‌ای و اشتراک مواضع آفریقا و خاورمیانه در موضوعات عمده زیرمنطقه‌ای از قبیل فناوری صلح آمیز هسته‌ای ایران و مسائل عراق و فلسطین مؤثر واقع شود. در سطح فراقاره‌ای، مواضع مشترک ایران و اتحادیه آفریقا در موضوعاتی از قبیل اصلاحات سازمان ملل، تأکید بر عدالت محوری و چندجانبه‌گرایی و تحقق نظم‌ی عادلانه و متوازن در عرصه بین‌المللی می‌تواند قدرت چانه‌زنی این دو بازیگر را در محافل و سازمان‌های بین‌المللی ارتقا بخشد.

این مقاله، ضمن تبیین پیشروی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو ناظر اتحادیه آفریقا، به ارائه راهکارهایی برای غلبه بر فشارهای بیرون‌سازمانی و دستیابی به وحدت نظر و اشتراک مساعی به ویژه از رهگذر اهتمام به دیپلماسی عمومی، رسانه‌ای و فرهنگی می‌پردازد و بر این باور است که بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از ظرفیت‌های عضویت ناظر در اتحادیه آفریقا، در صورتی امکان‌پذیر است که بر بسترهای مشترک فرهنگی و قدرت نرم افزاری استوار باشد.

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران در راستای تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله نظام، سیاست خارجی مبتنی بر «تعامل مؤثر و سازنده» را با قطب‌های قدرت در عرصه بین‌المللی در پیش می‌گیرد. در این رهگذر، با توجه به ارتقای نقش و جایگاه نهادهای منطقه‌ای در آغاز هزاره سوم و افزایش گستره تعامل در سیاست جهان سومی کشور، اهتمام به تحول بخشی به سیاست خارجی همزمان با همکاری‌های بین‌منطقه‌ای، در

^۱ . South Africa Development Community (SADC)

^۲ . COMESA

^۳ . East African Community (EAC)

^۴ . African Economic Community (AEC)

دستور کار زمامداران دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. این مهم، حکایت از بلوغ سیاست خارجی کشور دارد که ضمن برخورداری از انعطاف دیپلماتیک متناسب با نیازها و شرایط محیطی، بر مواضع اصولی جمهوری اسلامی ایران پافشاری می‌کند و از این لحاظ، نوعی «آرمان‌نگری واقع‌بینانه» یا «اصول‌گرایی واقع‌بینانه» مبتنی بر «قدرت نرم»^۱ علاوه بر ارتقای اعتماد در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر اساس درک متقابل، احترام دوجانبه و منافع متقابل، موجبات تقویت جایگاه و نقش بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران را در معادلات امنیتی فراهم می‌آورد؛ به گونه‌ای که درک فرصت‌های نوین و بهره‌برداری از آن با توجه به برنامه‌ریزی منسجم، درازمدت و مصلحت‌اندیشانه می‌تواند زمینه مناسبی برای ارتقای همکاری‌ها و تحقق اهداف و سیاست‌های اصولی جمهوری اسلامی ایران در مناطق گوناگون ایجاد کند.

در این راستا، جمهوری اسلامی ایران عضویت ناظر در گروه‌بندی‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را در دستور کار خود قرار داده است؛ به گونه‌ای که علاوه بر عضویت ناظر در سازمان همکاری‌های شانگهای به عنوان یک سازمان مقتدر منطقه‌ای در کنار پاکستان، هند و مغولستان، به عضویت ناظر در اتحادیه آفریقا به عنوان یک نهاد فراملی قدرتمند متشکل از ۵۳ کشور در کنار ونزوئلا اهتمام نموده است. این مهم، ناشی از اهمیت فزاینده بین منطقه‌گرایی^۲ در فضای بین‌المللی پس از یازدهم سپتامبر است.

اگرچه جمهوری اسلامی ایران در دوران نقش آفرینی سازمان وحدت آفریقا، در پی تلاش‌های سفیر وقت جمهوری اسلامی ایران در اتیوپی و بنا بر دعوت سازمان مذکور از سال ۱۳۷۵ به عنوان ناظر در نشست‌های سران کشورهای این سازمان شرکت می‌کرد

^۱ . Soft Power

^۲ . Trans regionalism

و هیأت‌هایی در سطوح مختلف از وزارت خارجه برای رایزنی و شرکت در جلسات مذکور اعزام می‌نمود، ولی با توجه به اینکه ارکان اتحادیه آفریقا از صلاحیت و قدرت عمل گسترده‌تری نسبت به سازمان وحدت آفریقا برخوردار می‌باشد، جمهوری اسلامی ایران این سازمان را شایسته همکاری فزاینده می‌داند. طی سال‌های گذشته پس از تشکیل اتحادیه آفریقا در سال ۲۰۰۲، در پی تصمیم اجلاس سران کشورهای آفریقایی در آفریقای جنوبی مبنی بر پدید آوردن اتحادیه آفریقا از ادغام «سازمان وحدت آفریقا» و «جامعه اقتصادی آفریقا»، همه ساله معاون عربی آفریقایی وزارت امور خارجه کشورمان به عنوان فرستاده ویژه رئیس جمهور اسلامی ایران، ضمن حضور در اجلاس سران و ملاقات با رؤسای جمهور مقامات آفریقایی، با آنان به بحث و رایزنی در خصوص مسائل دوجانبه و چندجانبه می‌پرداخت.^(۱)

با این وجود، صفت عضو ناظر به جمهوری اسلامی ایران در پی تصمیم چهارمین نشست عادی مجمع سران اتحادیه آفریقا در ژانویه ۲۰۰۵ در ابوجا، در نیجریه اعطا گردید. که طی اجلاس مزبور، سران اتحادیه آفریقا موافقت کردند که معیار اعطای صفت عضو ناظر و همچنین سیستم پذیرش سفیر اکردیته نزد اتحادیه آفریقا بر اساس سند شماره ۱۶۱ نشست کمیته نمایندگان دائم اتحادیه، تنظیم و تکمیل شود تا در هفتمین اجلاس شورای اجرایی در ژوئیه ۲۰۰۵ در سیرت لیبی ارائه گردد و سپس در پنجمین نشست عادی مجمع سران اتحادیه آفریقا به تصویب نهایی برسد. همچنین در چهارمین نشست عادی مجمع اتحادیه آفریقا در ژانویه ۲۰۰۵ مقرر شد، صفت ناظر به کشورهای غیر آفریقایی در سازمان‌های غیردولتی شرکت‌کننده در اتحادیه آفریقا عطا شود تا به آنها حق حضور در جلسات عمومی داده شود. به دنبال این تصمیم‌گیری و پذیرش عضویت ناظر ایران در ژوئیه ۲۰۰۵، جمهوری اسلامی ایران در راستای تداوم اهداف خود برای

بسط و توسعه روابط با دولت‌های آفریقایی و اتحادیه آفریقا، در همان سال مبادرت به معرفی سفیر جمهوری اسلامی ایران در کشور اتیوپی به عنوان سفیر اکر دینه نزد اتحادیه آفریقا نمود و در پی آن، رئیس جمهور اسلامی ایران در ژوئیه ۲۰۰۶ در هفتمین اجلاس سران اتحادیه آفریقا شرکت نمود تا این حضور، نقطه عطفی در همکاری و تعامل گسترده جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه آفریقا به شمار آید و زمینه‌ساز نهادینه‌سازی مناسبات مزبور علاوه بر بسترسازی برای ایجاد دفتر اتحادیه آفریقا در ایران گردد.^(۳)

اگرچه بین عضویت ناظر و عضویت دائم، این تفاوت وجود دارد که عضو ناظر حق شرکت در جلسات را بدون برخورداری از حق رأی دارد و عضو دائم همزمان از حق شرکت و رأی برخوردار است، اما حضور جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو ناظر در اتحادیه آفریقا، علاوه بر اینکه موجب می‌شود تا تصمیمی مغایر با منافع عضو ناظر اتخاذ نگردد، زمینه اشتراک مساعی برای هماهنگی و همکاری در موضوعات عمده منطقه‌ای و بین‌المللی را نیز فراهم می‌آورد. در واقع، علاقه‌مندی کشورهای قاره سیاه به برقراری روابط در چارچوب اتحادیه آفریقا با ایران را می‌توان در راستای تلاش آنان برای کسب هرچه بیشتر قدرت در سطوح مختلف و تقویت و تحکیم مواضع آنان برای مقابله با چالشهای داخلی و بیرونی ارزیابی کرد.

از این رو، مقاله حاضر، با بررسی این فرضیه که عضویت ناظر جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه آفریقایی، موجبات ارتقای سطوح همکاری و افزایش هماهنگی مواضع در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم می‌سازد، سعی دارد به تجزیه و تحلیل ابعاد مربوط به نهادینه‌سازی همکاری‌ها و مناسبات ایران و کشورهای آفریقایی در چارچوب اتحادیه آفریقا مبادرت ورزد تا از رهگذر تبیین فرصت‌ها و موانع پیش‌رو، راهکارهای گسترش روابط را در چارچوبی توانمند و پویا فراروی دست‌اندرکاران سیاست خارجی کشور

قرار دهد. در این راستا، ابتدا جنبه‌های مربوط به فواید عضویت ناظر ایران به عنوان کشوری اسلامی، آسیایی و خاورمیانه‌ای در اتحادیه آفریقا در سطوح تحلیل درون قاره‌ای، بین‌قاره‌ای و فراقاره‌ای تبیین می‌گردد و سپس ضمن تشریح موانع و چالش‌های موجود، راهکارهای غلبه بر مشکلات پیش‌رو تجزیه و تحلیل می‌گردد.

پیامدهای عضویت ناظر ایران در سطح درون قاره‌ای

عضویت ناظر جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه آفریقا می‌تواند نهاد مزبور را در سطح قاره آفریقا در دستیابی به اهدافی از قبیل تحقق وحدت، انسجام و یکپارچگی درون قاره‌ای، دفاع از حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و استقلال دولت‌های عضو، ارتقای صلح، امنیت و ثبات در قاره سیاه، ارتقای اصول و نهادهای دموکراتیک، حمایت از حقوق بشر، ارتقای توسعه پایدار در سطوح اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، افزایش همگرایی اقتصادی کشورهای آفریقایی، ریشه‌کنی بیماری‌های مزمن و واگیردار و ارتقای امنیت بهداشتی و غذایی در قاره سیاه، بالا بردن سطح زندگی و رفاهی مردم آفریقا و ارتقای ثبات سیاسی و اقتصادی یاری رساند و اتحادیه مزبور را در تحقق اصولی از قبیل حاکمیت برابر، استقلال داخلی، حفظ و تمامیت ارضی کشورهای عضو، حل مسالمت‌آمیز اختلافات میان کشورهای عضو، تحکیم خوداتکایی و استقلال دسته‌جمعی و ارتقای عدالت اجتماعی به منشور تضمین توسعه اقتصادی متوازن مساعدت نماید و مردم قاره سیاه را در مسیر اعمال حاکمیت در راستای مشارکت برای تعیین سرنوشت خود تحریر کند.^(۳) با توجه به سیاست جمهوری اسلامی ایران در حمایت از کشورهای مستضعف و جهان سومی، عضویت ناظر ایران در اتحادیه آفریقایی می‌تواند نهاد مزبور را به ویژه در عرصه‌های اقتصادی و فنی توانمند سازد. زمینه اعمال حاکمیت ملل آفریقا در تعیین سرنوشت خود و

جلوگیری از مداخلات نابجای قدرت‌های استعماری آمریکا و اروپا را مهیا کند و اقدامات قدرت‌های غربی را در استثمار منابع و استعمار فرانو در آفریقا خنثی سازد. هم‌اندیشی جمهوری اسلامی ایران و سران اتحادیه آفریقا در تبیین راهکارهای استقلال جمعی، تصمیم‌گیری‌های سریع و همه‌جانبه برای غلبه بر مشکلات درون قاره‌ای، تعیین اولویت‌ها و انتخاب گزینه‌ها و بسیج امکانات و منابع انسانی و مالی می‌تواند زمینه برقراری ثبات سیاسی و اقتصادی و تحقق توسعه پایدار و همه‌جانبه و تأمین سعادت، شرافت و استقلال کشورهای آفریقایی را از رهگذر استعمارزدایی، نفی سلطه، مقابله با پیامدهای منفی جهانی‌سازی و رفع تبعیض و فقر و جلوگیری از تنش‌های سیاسی و مناقشات مسلحانه را فراهم آورد.

جمهوری اسلامی ایران بر این باور است که قاره آفریقا با برخورداری از ظرفیتی عظیم به عنوان دومین قاره پهناور جهان با مساحتی بالغ بر $۴۰/۳$ میلیون کیلومتر مربع، ۸۰۴ میلیون نفر جمعیت یا ۱۳ درصد جمعیت جهان، اکثریت عددی ۵۴ کشوری، جمعیت ۳۵۳ میلیون نفری مسلمانان، ۹۶ درصد الماس، ۹۰ درصد کرومیوم، ۸۵ درصد پلاتینوم، ۵۰ درصد کبالت، ۵۵ درصد منگن، ۴۰ درصد بوکسیت، ۱۳ درصد مس، ۵۰ درصد طلا، ۳۰ درصد نوریوم و اورانیوم، ۲۰ تا ۲۵ درصد پتانسیل هیدرولیک جهان، ۱۰ درصد ذخایر شناخته شده نفت جهان، ۶۵ درصد کاکائوی جهان و دارای بیست و پنج هزار کیلومتر رودخانه و بهره‌مندی از ویژگی‌های متفاوت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و طبیعی، نمونه‌های بارز و پیچیده‌ای از رقابت‌ها، کنش‌ها و واکنش‌ها را ارائه می‌دهد. در این میان، نیروهای استعمار فرامردن با تلاش برای تسلط بر منابع و ذخایر کانی و انرژی این قاره به ویژه از طریق شرکت‌های چند ملیتی و غولهای رسانه‌ای، درصددند تا با الیناسیون فرهنگی، نسبت به خودباختگی و از خودبیگانگی ملت‌های آفریقا اقدام کنند. در این

فرایند، اتحادیه آفریقا در صورتی می‌تواند در جستجوی ایفای نقش فعال محلی، منطقه‌ای و قاره‌ای توفیق یابد که به مرحله خودباوری و خوداتکایی نایل آید؛ از این رو جمهوری اسلامی ایران ضمن کمک به این اتحادیه در حل مشکلات مرزی و مسائل داخلی کشورهای عضو، سعی دارد ضمن یاری رساندن به این نهاد در برقراری صلح، امنیت، ثبات، وحدت، توسعه پایدار و استقلال جمعی، جایگاه آن را در عرصه بین‌المللی ارتقا بخشیده و تقویت کند؛ چراکه در سایه رهایی قاره سیاه از ستم استعمارگران و از یوغ استثمار و نژادپرستی، امکان شکوفایی نیروهای آن در راه استقلال دسته جمعی فراهم می‌شود. (۴)

حمایت جمهوری اسلامی ایران از تحقق صلح پایدار در منطقه آفریقا، جلوگیری از منازعات و درگیری‌های داخلی که می‌تواند به افزایش تنش و ناآرامی منطقه‌ای و مآلاً مداخله خارجی شود، انجام رایزنی و یافتن راه حل‌های مناسب به منظور ارتقای توسعه و حل و فصل منازعات منطقه‌ای به ویژه در ساحل عاج و دارفور سودان، ناشی از این واقعیت است که جنگ‌های تحمیل شده بر آفریقا و بحران‌های سیاسی و اقتصادی این قاره، ریشه در مطامع و منافع جهان غرب دارد؛ از این رو جمهوری اسلامی ایران از تلاش کشورهای آفریقایی برای تحقق صلح و امنیت و ثبات و حل درگیری‌های مسلحانه درون قاره از جمله استقرار صلح در کنگوی دموکراتیک، سودان، آنگولا و سیرالئون پشتیبانی جدی به عمل می‌آورد و بر این باور است که اتحادیه آفریقا از ظرفیت لازم برای مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و جلوگیری از بروز جنگ و مناقشه برخوردار است. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران از امضای موافقتنامه جامع صلح بین دولت سودان و شورشیان این کشور به ویژه جنبش آزادی‌بخش خلق سودان و جنبش آزادی‌بخش مساوات و عدالت (SPLMA) و حل مناقشه‌دار دارفور براساس نگارش اصول صلح (DOP) و موافقتنامه

جامع صلح (CPA) و در راستای تقویت روند صلح و ثبات در منطقه، حمایت و استقبال می‌کند و رایزنی و تلاش بی‌وقفه «شورای صلح و امنیت» به عنوان یکی از ارکان اجرایی اتحادیه و به رغم تازه تأسیس بودن آن در حل بحران دارفور سودان و نحوه تعامل آن با سازمان ملل در حل بحران مذکور را ناشی از نقش و جایگاه مؤثر این اتحادیه در حل معادلات سیاسی و اقتصادی فعلی و آتی آفریقا می‌داند. ایران ضمن تأکید بر ضرورت یافتن راه حلی برای مدیریت بحران‌های این قاره (در دارفور، شاخ آفریقا، سومالی و شمال اوگاندا) با هرگونه دخالت خارجی برای حل این بحران‌ها مخالف است و بر این باور است که اتحادیه آفریقایی از طریق نهادهای خود، قادر به حل و رفع تنش‌های درون قاره‌ای است. (۵)

جمهوری اسلامی ایران بر این باور است که اتحادیه آفریقا با ایجاد یک دولت فدرال متشکل از ۵۳ کشور آفریقایی با پول واحد، ارتش واحد، تشکیلات دولتی واحد و برخورداری از نهادهایی چون رئیس اتحادیه آفریقا و پارلمان آفریقایی، قادر است ضمن تلاش برای خاتمه دادن به جنگ‌های داخلی آفریقا، نسبت به گسترش همکاری‌های اقتصادی از طریق ایجاد یک بازار مشترک آفریقایی اقدام کند و به تأسیس یک نظام پایدار بهداشتی، به منظور مبارزه با بیماری‌های ایدز، مالاریا، سل و فلج اطفال مبادرت ورزد و گام‌های مؤثر و عملی در زمینه رعایت استانداردهای زیست محیطی با اتخاذ سیاست‌های کارآمد به منظور جلوگیری از بین رفتن منابع طبیعی قاره سیاه بردارد؛ به گونه‌ای که مقابله با گرسنگی، کمبود آب آشامیدنی، عقب‌ماندگی، کشاورزی ناپایدار، انحطاط زیست محیطی و بیماری‌های مزمن و واگیردار در رأس اولویت‌های اتحادیه آفریقا در راستای تأمین امنیت غذایی و بهداشتی و تحقق توسعه پایدار قرار گیرد.

افزون بر این، همکاری‌ها و تعاملات جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه آفریقا می‌تواند نهاد مزبور را در تحقق اصول و اهداف مندرج در بند چهارم سند تأسیس شامل برابری حاکمیت‌ها، استقلال داخلی تمام کشورهای عضو اتحادیه، ایجاد یکپارچگی و اتحاد در آفریقا، احترام به مرزهای موجود، مشارکت مردمی در فعالیت‌های اتحادیه، به کارگیری سیاست دفاعی مشترک برای قاره، حل و فصل مسالمت‌آمیز درگیری‌ها بین دولت‌های عضو، عضویت به کارگیری تهدید و زور بین دولت‌های عضو، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، همزیستی مسالمت‌آمیز، محکومیت و طرد تغییرات غیرقانونی دولت‌ها، احترام به کرامت انسانی و محکومیت و طرد ترورهای سیاسی، اقدامات تروریستی و فعالیت‌های براندازی یاری رساند. تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران برای برقراری صلح، ثبات، امنیت، وحدت و توسعه در قاره سیاه، تقویت روند یکپارچگی سیاسی و اقتصادی و تعمیق و تحکیم موقعیت قاره آفریقا در نظام بین‌الملل کنونی، حمایت از حقوق بشر و تثبیت نهادها و فرهنگ دموکراتیک و ارتقای حکمرانی مناسب^۱ و حکومت قانون می‌تواند از رهگذر همکاری با اتحادیه آفریقا و جامعه اقتصادی غرب آفریقا موسوم به اکواس و جامعه شرق آفریقا، این نهادهای قاره سیاه را در نقش‌آفرینی به منظور دموکراتیک‌سازی پایه‌های قدرت حکومت‌های آفریقایی براساس انتخابات آزاد، نضج جامعه مدنی در راستای ارتقای ارتباط و پیوند متقابل مردم و حاکمان، مسئولیت‌پذیری دولت‌ها و اصلاح روابط میان آنها براساس سیاست حسن همجواری مساعدت نماید و با حمایت از سیاست دفاعی و امنیتی مشترک آفریقایی^۲ که از فوریه ۲۰۰۴ به منصفه ظهور رسیده است، دولت‌های آفریقایی را در هماهنگ‌سازی روند تحقق سیاست مزبور تشویق و

^۱ . Good Governance

^۲ . Common African Defence and security policy (CADSP)

تحریض کند.^(۶) در واقع، جمهوری اسلامی ایران علاوه بر اینکه می‌تواند تلاش‌های مضاعفی را برای استقرار صلح و جلوگیری از درگیری‌های نظامی در قاره سیاه به کار بندد، قادر است نقش آفریقا را به عنوان عرضه‌کننده ثابت نفت در بازارهای جهانی ارتقا بخشد، با توجه به اینکه آفریقا ۱۵ درصد از کل نفت مورد نیاز آمریکا را تأمین می‌کند؛ زیرا نیجریه و آنگولا به ترتیب پنجمین و نهمین عرضه‌کننده بزرگ نفت در آمریکا و بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت آفریقای جنوب صحرا به شمار می‌روند. پنج کشور آفریقا، ۸۰ درصد تولید نفت خام این قاره را در اختیار دارند که عبارت است از: نیجریه (۲/۱ میلیون بشکه در روز)، لیبی (۱/۳۸۰ میلیون بشکه در روز)، الجزایر (۸۱۰ هزار بشکه در روز)، مصر (۷۵۰ هزار بشکه در روز) و آنگولا (۷۴۰ هزار بشکه در روز). با توجه به فناوری جمهوری اسلامی ایران در زمینه استخراج نفت، این امکان وجود دارد که کشورهایی چون مالی، سنگال و توگو که در حال اکتشاف نفت هستند و نیز جزایر سائوتومه و پرنسپ که دارای ذخایر نفتی اثبات شده هستند و یا دیگر کشورهای آفریقایی از جمله ماداگاسکار، آفریقای جنوبی، موریتانی و بنین را در اکتشاف میادین نفتی یاری رساند و کشورهایی چون نامیبیا، موزامبیک و تانزانیا را که تنها تولیدکنندگان گاز هستند، در این زمینه مساعدت نماید.^(۷)

با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژیک جمهوری اسلامی ایران و اکتشافات جدید به ثبت رسیده در قاره سیاه، ایران می‌تواند با سرمایه‌گذاری در حوزه‌های نفتی آفریقا، این قاره را در زمینه تولید و استخراج نفت و گاز یاری رساند؛ به گونه‌ای که قاره آفریقا را که در حال حاضر ۸ درصد تولید انرژی جهان را در اختیار دارد، قادر سازد که تا سال ۲۰۲۰ سهمی معادل ۱۲ تا ۱۵ درصد از بازارهای جهان را به خود اختصاص دهد.

پیامدهای عضویت ناظر ایران در سطح بین قاره‌ای

عضویت ناظر ایران در اتحادیه آفریقا علاوه بر اینکه به دلیل نقش مؤثر اقتصادی ایران در عرصه حمل و نقل، ارتباطات و انرژی، موقعیت ژئوپولیتیکی ایران و قرار گرفتن در شاهراه ارتباطی اروپا و آسیا، برای اتحادیه آفریقا مفید خواهد بود، موجبات پیوند ژئوپولیتیک بین خاورمیانه و آفریقا را فراهم خواهد آورد که این مهم، موجب استفاده ایران و اتحادیه آفریقا از نهادهای بین منطقه‌ای از قبیل گروه ۷۷، جنبش عدم تعهد و سازمان کنفرانس اسلامی و تقویت همکاری‌ها و ارتباطات بین‌قاره‌ای خواهد شد.

واقعیت آن است که حضور جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو ناظر در اجلاس‌های اتحادیه آفریقا، علاوه بر اینکه بهترین فرصت را برای انجام ملاقات و رایزنی همزمان با کلیه مقامات کشورهای مختلف آفریقایی فراهم می‌آورد که این فرصت تنها با شرکت در اجلاس اتحادیه میسر و عملی می‌باشد، امکان آشنایی و آگاهی از جدیدترین تصمیمات و تحولات را در سطح قاره عظیم آفریقا و همچنین چگونگی و نحوه تعاملات آنها با سایر سازمان‌های منطقه‌ای را فراهم می‌آورد. مقامات جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو محوری اکو می‌توانند در حاشیه اجلاس‌های اتحادیه آفریقا علاوه بر ملاقات با رؤسای جمهور و مقامات هریک از دولت‌های آفریقایی عضو اتحادیه، به ملاقات و انجام رایزنی با مقامات و مسئولان ارکان اقتصادی، اجرایی و پارلمانی اتحادیه و همچنین دبیران کل سازمان‌های منطقه‌ای آفریقا شامل اکواس، سادک، کومسا و جامعه شرق آفریقا پرداخته و بستر لازم را برای تعامل با آنها فراهم سازد.^(۸) همچنین جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو عمده اوپک می‌تواند علاوه بر رایزنی با مقامات نیجریه، لیبی و الجزایر به عنوان اعضای آفریقایی اوپک با بقیه کشورهای آفریقایی غیر عضو اوپک

که دارای ذخایر نفتی و گازی هستند و نیز کشورهای فاقد ذخایر طبیعی نفت و گاز مذاکره کند تا اقداماتی در راستای حمایت از کشورهای در حال توسعه و یا توسعه نیافته آفریقایی که قادر به خرید نفت با هزینه بالا در بازارهای جهانی انرژی نیستند، صورت پذیرد تا امکان توسعه این دسته از کشورهای فقیر آفریقایی فراهم آید.^(۹)

با توجه به اینکه اتحادیه آفریقا، مرکز ثقل تعاملات سیاسی و اقتصادی آینده این قاره با سایر سازمان‌ها، نهادها و تریبالات منطقه‌ای و بین‌المللی است، علاقمندی و خواست و اراده دولتمردان ایران به بسط و توسعه روابط بین‌منطقه‌ای میان خاورمیانه و آفریقا می‌تواند زمینه را برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های این قاره مهیا سازد؛ به ویژه آنکه در عصر جهانی شدن و با توجه به سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه و هژمونیک محور آمریکا در دنیای پس از یازدهم سپتامبر، ضرورت تأکید بر منطقه‌گرایی نوین و نیز مبادلات و همکاری‌های بین‌منطقه‌ای برای ارتقای نقش و جایگاه مناطق در نظام تصمیم‌گیری جهان، بیش از پیش احساس می‌شود.

حضور فعال هیأت‌های آمریکایی، اروپایی، ژاپنی، چینی و روسی در اجلاس‌های گوناگون اتحادیه آفریقا و اختصاص کمک‌های بلاعوض از سوی آنها به اتحادیه مزبور، حاکی از اهمیت روزافزون تعاملات بین قاره‌ای این اتحادیه است؛ بنابراین جمهوری اسلامی ایران باید ضمن تعریف دقیق و مشخص اهداف و شناسایی اولویت‌های کاری خود با اتحادیه آفریقا برای تحکیم بیش از پیش روابط بین‌قاره‌ای، راهبرد توسعه روابط کشورهای خاورمیانه با قاره آفریقا را ادامه دهد.

جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از رهگذر مشارکت در این فرایند و تشویق سرمایه‌گذاری کشورهای خاورمیانه در پروژه‌های پیشنهادی اتحادیه آفریقا، به ارتقای رشد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قاره سیاه، برقراری صلح و ثبات و امنیت در این قاره، پایان

بخشیدن به منازعات منطقه‌ای و بین‌المللی و ارتقای مفاهیم و گفت‌وگوی میان ملت‌ها و تمدن‌های آفریقایی و آسیایی کمک کند؛ به ویژه آنکه اتحادیه آفریقا از آغاز تأسیس و به ویژه پس از تشکیل «شورای صلح و امنیت» مبادرت به اتخاذ مواضع مثبتی در قبال برخی بحران‌های بین‌المللی همچون عراق و فلسطین و منطقه‌ای از جمله ساحل عاج و دارفور سودان نموده است که از این لحاظ، از ظرفیت لازم برای تعامل با سایر ترتیبات منطقه‌ای از جمله اگو، آسه‌آن و اتحادیه اروپا برخوردار است. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از رهگذر عضویت ناظر در اتحادیه آفریقا علاوه بر ایجاد هماهنگی بین سازوکارهای منطقه‌ای و نهادهای تأمین‌کننده صلح و امنیت بین‌المللی، به ارتقای همکاری‌های اقتصادی به ویژه بین اگو و جامعه اقتصادی آفریقا مبادرت ورزد. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران با برپایی نمایشگاهی مشترک به ویژه نمایشگاه ایران - آفریقا در سال ۲۰۰۳ در راستای آشناسازی دو طرف با ظرفیت‌های بین‌قاره‌ای، گام‌های مؤثر و عملی برداشته است.

در این راستا، برگزاری اولین نشست کنفرانس سازمان‌های زیرمنطقه‌ای آسیا و آفریقا در نوامبر ۲۰۰۳ در دوربان آفریقای جنوبی با حضور بیست و شش کشور آفریقایی و آسیایی از جمله جمهوری اسلامی ایران که با هیأتی به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور وقت، در اجلاس مذکور شرکت نمود، نشان از حمایت ایران از شکل‌گیری کنفرانس‌ها و سازمان‌های بین منطقه‌ای آسیا و آفریقا بوده است؛ به گونه‌ای که حتی در سال ۱۹۵۵ نیز در اجلاس تاریخی باندونگ که زمینه شکل‌گیری جنبش عدم تعهد را فراهم کرد، شرکت نموده بود. تأکید اجلاس مزبور به ضرورت برگزاری نشست‌های آسیا و آفریقا در سه سطح بین دولتی، بین سازمان‌های زیرمنطقه‌ای و بین اشخاص و بخش‌های خصوصی و لزوم به رسمیت شناختن تنوع موجود در سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی مناطق گوناگون

جغرافیایی آسیا و آفریقا، تعهد به گفتمان آزاد مبتنی بر احترام متقابل، تشویق همکاری‌های غیرانحصاری، توسعه پایدار میان دولت‌های عضو از طریق تأسیس ابتکارات زیرمنطقه‌ای آسیایی و آفریقایی، حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تشویق دموکراسی، عدالت، شفافیت و پاسخگویی و تشویق تلاش‌های جمعی و یکپارچه در زمینه چندجانبه‌گرایی، نشان می‌داد که قاره آفریقا از ظرفیت‌های لازم برای تعاملات بین قاره‌ای برخوردار است و جمهوری اسلامی با توجه به نقش سازنده در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس و عضویت ناظر در اتحادیه آفریقا، در این زمینه می‌تواند حلقه روابط و واصلی بین دو قاره آسیا و آفریقا محسوب گردد.^(۱)

در این رهگذر، فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران و ۵۳ کشور اتحادیه آفریقایی در چارچوب اعضای چهارده‌گانه جنبش عدم تعهد موسوم به "نم" مبنی بر نفی تبعیض در استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای و حمایت از حق ایران در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای برای تولید انرژی برق تحت پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نشان می‌دهد که تعاملات بین قاره‌ای می‌تواند چرخ‌های دیپلماسی هسته‌ای ایران را به تحرك بیشتری وادارد. تأکید اعضای جنبش عدم تعهد بر احقاق حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در عین تأکید بر «عاری‌سازی خاورمیانه و آفریقا از سلاح‌های هسته‌ای»^۲ اهمیت هوشیاری دیپلماتیک ایران را در تداوم همبستگی، ایستادگی و همکاری بین‌قاره‌ای آشکار می‌سازد. همسویی مواضع جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو اتحادیه آفریقا در زمینه حق برخورداری ایران از فناوری تولید انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای و ضرورت ایستادگی کشورهای غیرمتعهد در برابر افزون‌طلبی و زیاده‌خواهی نظام سلطه و قدرت‌های

^۱ . Non-Aligned Movement (NAM)

^۲ . Denuclearization of Middle East and Africa

استعماری به منظور دفاع از حقوق قانونی خود در زمینه توسعه دانش بومی هسته‌ای می‌تواند موجبات اصلاح رأی و نظر مجامع بین‌المللی را نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای ایران فراهم سازد.^(۱۱)

با توجه به میزان نفوذ ۵۳ کشور عضو اتحادیه آفریقا در مجمع عمومی سازمان ملل، عضویت کشورهای غنا، کنگو و تانزانیا در شورای امنیت سازمان ملل و عضویت کشورهای الجزایر، غنا، لیبی و مصر در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند ضمن بهره‌گیری از کارت‌های برنده دیپلماسی چندجانبه در راستای بسط و توسعه مناسبات مثبتی بر منافع متقابل گام بردارد و از همکاری‌های بین‌منطقه‌ای و بین‌قاره‌ای به عنوان دریچه‌ای به سوی تعامل مؤثر و سازنده ایران با مناطق مختلف جهان به ویژه آفریقا بهره‌گیرد.

اشتراک نظر جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو اتحادیه آفریقا مبنی بر لزوم خلع سلاح هسته‌ای و تقویت سازوکارهای پیمان منع گسترش و عدم اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی بدون رفتار تبعیض‌آمیز مبتنی بر معیارهای دوگانه، حق اساسی و لاینفک تمام دولت‌ها برای توسعه، تحقیق، تولید و استفاده از انرژی اتمی در راستای مقاصد صلح‌آمیز به گونه‌ای متوازن و تبعیض‌ناپذیر، تأکید بر نقش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان تنها مقام صالح برای راستی‌آزمایی تعهدات پادمانی دولت‌های عضو، استقبال از اقدامات و تدابیر اعتمادساز و داوطلبانه ایران برای حل و فصل مسالمت‌آمیز موضوع فعالیت‌های هسته‌ای، تأکید بر ایجاد خاورمیانه و آفریقای عاری از سلاح‌های هسته‌ای، تأکید بر مصونیت از تعرض فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز، ضرورت بررسی راستی‌آزمایی فعالیت‌های هسته‌ای ایران بر اساس مبانی حقوقی و فنی پادمان‌های هسته‌ای، تأکید بر اولویت و اهمیت مذاکره، دیپلماسی و گفت‌وگو و تداوم روش‌های

مسالمت‌آمیز برای دستیابی به راه‌حل درازمدت و منطقی در چارچوب روندهای چندجانبه بین‌المللی، تأکید بر اهمیت همکاری و مصالحه‌گرایی چندجانبه با مشارکت همه طرف‌های لازم برای افزایش اعتماد بین‌الملل و تشویق یک فضای همکاری در راستای یافتن راه‌حل قابل قبول دوجانبه و چندجانبه برای احقاق حق قانونی ایران در دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای، ضرورت حل موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران در چارچوب آزانس و پرهیز از اقدامات تبعیض‌آمیز و توسل به معیارهای دوگانه در برخورد با برنامه‌های هسته‌ای ایران، نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران از رهگذر عضویت ناظر در اتحادیه آفریقا می‌تواند ضمن برون رفت از وضعیت کنونی هسته‌ای ایران از تمام ظرفیت‌های موجود استفاده کند؛ به ویژه آنکه مسئله هسته‌ای ایران به موضوعی بین‌المللی تبدیل شده که به آینده تمام کشورهای اسلامی و غیرمتعهد مرتبط است.^(۱۲)

افزون براین، همگرایی مواضع ایران و اتحادیه اروپا در زمینه ضرورت احقاق حقوق ملت فلسطین، به رسمیت شناختن حق مردم این کشور برای تعیین سرنوشت جهت تشکیل دولت مستقل فلسطینی، حمایت از استقلال و تمامیت ارضی فلسطینیان و محکومیت اقدامات غیرقانونی، توسعه‌طلبانه و خصمانه رژیم صهیونیستی علیه مسلمانان فلسطینی و نیز مخالفت با تجاوز این رژیم به جنوب لبنان و همچنین مخالفت ایران و اتحادیه آفریقا با هرگونه اقدام یکجانبه آمریکا در عراق و ضرورت نظارت سازمان ملل متحد بر فعالیت‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای در عراق، نشانگر آن است که همکاری‌های بین‌قاره‌ای می‌تواند موجبات ارتقای توان چانه‌زنی این دو بازیگر را در عرصه موضوعات منطقه‌ای فراهم سازد.^(۱۳)

پیامدهای عضویت ناظر ایران در سطح فراقاره‌ای

فارغ از اهمیت سیاسی، اقتصادی و ژئوپولیتیک قاره آفریقا، همکاری‌های ایران و اتحادیه آفریقا می‌تواند دستاوردهایی را برای جمهوری اسلامی ایران به دنبال داشته باشد. درباره اهمیت رأی کشورهای آفریقایی همین بس که کشورهای آفریقایی توانستند در چارچوب اتحادیه آفریقا به قطعنامه اتحادیه اروپا درباره نقض حقوق بشر در سودان در آذر ماه ۱۳۸۴ به صورت واحد رأی منفی بدهند. این ابتکار، ثابت کرد که کشورهای آفریقایی می‌توانند در قالب اتحادیه آفریقا بر تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی تأثیرگذارند و با تأکید بر سیاست چندصدایی در نظام بین‌المللی به حضور فعال و مؤثر در نهادهای بین‌المللی مبادرت ورزند؛ از این رو تقویت همکاری با اتحادیه آفریقا می‌تواند منافع سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته باشد. به طور قطع، در صورتی که جمهوری اسلامی ایران می‌توانست رأی مشترک کشورهای اتحادیه آفریقا را جلب کند، قطعنامه پیشنهادی کانادا درباره نقض حقوق بشر در ایران در سال ۱۳۸۴ رأی نمی‌آورد و به تصویب نمی‌رسید. با توجه به اینکه قطعنامه ضد ایرانی کانادا تنها با ۷۷ رأی به تصویب رسید و ۵۱ کشور نیز به آن رأی منفی دادند و رأی بیشتر کشورهای آفریقایی به این قطعنامه، ممتنع بود، ایران در صورت اهتمام به دیپلماسی فعال در اتحادیه آفریقا می‌توانست با جلب نظر آفریقاییان به دادن رأی منفی، مانع از تصویب قطعنامه مزبور شود.^(۱۴)

علاوه بر این، همکاری و همفکری ایران و اتحادیه آفریقا درباره اصلاحات در سازمان ملل متحد می‌تواند زمینه‌های رعایت حقوق کشورهای در حال توسعه را فراهم کند، و مواضع مشترک این دو بازیگر را در زمینه حاکمیت قطعنامه‌ای دیوان دادگستری بین‌الملل بر قطعنامه‌های شورای امنیت، اصل اجماع نظر در خصوص توسعه پایدار، امنیت

جمعی و اصلاحات نهادینه در سازمان ملل، تقویت مجمع عمومی و نقش دبیرکل به منظور کارآمدتر کردن سازمان ملل، ایجاد کمسیون صلح‌سازی، توجه به تنوع فرهنگی در شورای حقوق بشر، دموکراتیک‌تر کردن نهادهای برتون وودز و افزایش تعداد اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد، پیش برد. البته این مهم، نیازمند تقویت اراده سیاسی مشترک ایران و اتحادیه آفریقا برای ایفای نقش مؤثرتر در موضوعات عمده بین‌المللی است.^(۱۵)

افزون براین، عضویت ناظر جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه آفریقا می‌تواند موجبات تقویت نقش کشورهای جهان سوم را در مدیریت بحران‌های بین‌المللی و حفظ صلح، ثبات و امنیت بین‌المللی فراهم آورد. اهتمام فزاینده؛ دیپلماسی بازدارنده و پیشگیرانه شامل حقیقت‌یابی، اعتمادسازی، مساعی جمیله، صلح‌سازی و صلح‌بانی و تقویت و تحکیم صلح، امنیت و دموکراسی می‌تواند نقش کشورهای جنوب را در نظام تصمیم‌گیری جهانی ارتقا بخشد و ضمن ابراز نگرانی‌ها از سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه و نظامی‌گرایانه آمریکا و نفی کاربرد زور یا تهدید به کارگیری زور و مخالفت با سیاست‌های آمریکا برای امنیتی کردن هویت مناطق و حملات پیشدستانه قدرت هژمون به بهانه مبارزه با تروریسم در نظام بین‌المللی پس از یازدهم سپتامبر بر ضرورت تقویت صلح و امنیت دسته‌جمعی از طریق چندجانبه‌گرایی و حاکمیت قانون در جامعه بین‌المللی تأکید ورزند. جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه آفریقا می‌توانند با تقویت دیدگاه عدالت محور در روند تحولات جهانی، ضمن مقابله مؤثر با روند یکجانبه‌گرایی و مخالفت روزافزون با سیاست‌های تهدید و ارباب زورمداران، ضرورت مدیریت چالش‌های آینده روابط بین‌الملل را از رهگذر تقویت چندجانبه‌گرایی به منظور مقابله با تروریسم، جنایات سازمان‌یافته، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی، مورد تأکید قرار دهند.^(۱۶)

اعتقاد ایران و آفریقا به محوریت عدالت به عنوان یگانه راه نجات بشریت و تحقق صلح پایدار در جهان و به منزله رمز موفقیت حرکت‌های حق‌طلبانه، آزادی‌خواه، استقلال‌طلب و ضداستکباری می‌تواند در هزاره سوم دنیایی مملو از عدالت و قانونمندی و عاری از فقر و تبعیض را به ارمغان آورد. با توجه به اینکه ۳۹ کشور از ۴۹ کشور عضو مجموعه کشورهای کمتر توسعه یافته (LDCS) از قاره آفریقا می‌باشند، اندیشمندان راهکارهای عملی و کارا در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی به ویژه در زمینه فقرزدایی، بخشودگی بدهی‌ها، پایداری اقتصادی، حمایت از زیست بوم و محیط زیست آنان، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و برقراری صلح و ثبات و امنیت درون و برون‌قاره‌ای می‌تواند شرایط موردنیاز را برای ایفای نقش راستین اتحادیه آفریقا در اقتصاد جهانی فراهم سازد و شرایط مساعدی برای نقش‌آفرینی اتحادیه مزبور در روند مذاکرات بین‌المللی در نهادهای چندجانبه بین‌المللی به وجود آورد. اعتقاد ایران و اتحادیه آفریقا به امکان دستیابی به بی‌نظمی عادلانه در صورت نقش‌آفرینی فزاینده مناطق در نظام تصمیم‌گیری جهانی و در نظم نوین اقتصادی جهان و در صورت همکاری گسترده مناطق در سطح بین‌المللی می‌تواند موجبات ارتقای عدالت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را در صحنه بین‌المللی فراهم آورد. در واقع، در صورت تضمین توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی متعادل و متوازن در عرصه بین‌المللی و برقراری عدالت حقیقی در سطح فراقاره‌ای است که می‌توان به جلوگیری از به حاشیه رانده شدن کشورهای جنوب در عصر جهانی شدن امیدوار بود. (۱۷)

موانع پیش‌روی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو ناظر اتحادیه آفریقا

موانع و مشکلات فراوری سیاست خارجی ایران به عنوان عضو ناظر اتحادیه آفریقا را می‌توان در دو سطح ساختاری و کارکردی مورد توجه و ارزیابی قرار داد؛ در سطح ساختاری، عدم تقارن اقتصادی کشورهای آفریقایی مهم‌ترین مانع قلمداد می‌شود. در اتحادیه آفریقا چهار گروه از کشورها را می‌توان از یکدیگر تمیز داد؛ نخست، کشورهایی با تولید ناخالص سرانه ملی کمتر و یا برابر با ۴۰۰ دلار از قبیل اتیوپی، مالی، کنگو برازویل، بورکینافاسو، نیجر، تانزانیا، سومالی، رواندا، توگو، جمهوری آفریقای مرکزی، بنین، نیجریه، ماداگاسکار، غنا، سیرالئون، کنیا، سودان، موریتانی، لیبیا و زامبیا. دوم، کشورهایی با تولید ناخالص ملی سرانه بین ۴۰۱ تا ۱۶۶۹ دلار شامل سنگال، بولیوی، لسوتو، ساحل عاج، زیمبابوه، کامرون، کنگو و گینه. سوم، کشورهایی با تولید ناخالص ملی سرانه بین ۱۶۷۰ تا ۴۹۰۰ دلار شامل نامیبیا، مصر، آفریقای جنوبی و الجزایر و چهارم، کشورهایی با تولید ناخالص ملی سرانه بیش از ۴۹۰۰ دلار شامل توگو و لیبی. در شرایطی که شوک‌های اقتصادی وارده به کشورهای آفریقایی نامتقارن است و در حالی که فقر پولی و انسانی بیش از نیمی از جمعیت آفریقای جنوب صحرا را دربر می‌گیرد و زمانی که اتحادیه آفریقا «سیاست دست‌های گشوده» را در تبادلهای اعضای ناظر اتخاذ می‌کند، تزلزل بنیادهای مناسبات اقتصادی ایران و اتحادیه آفریقا می‌تواند مانع بهره‌گیری ایران از ظرفیت‌های اقتصادی و تجاری اعضای اتحادیه مزبور شود؛ چراکه رشد و توسعه ناهمگون و نامتقارن اقتصادی موجب ماهیت نامتوازن و گسسته مناسبات خارجی این اتحادیه می‌شود.^(۱۸)

از دیگر موانع و ضعفهای ساختاری فراوری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال اتحادیه آفریقا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: وابستگی ساختاری

کشورهای آفریقایی در ابعاد اقتصادی و تکنولوژیک و گاه سیاسی و فرهنگی به قدرت‌های استعماری. با توجه به پیشینه حضور استعمار در قاره سیاه، بی‌ثباتی، ناامنی، جنگ‌های داخلی و بحران‌ها و منازعات و درگیری‌های مسلحانه داخلی و منطقه‌ای، ضعف اطلاعات و ارتباطات در عصر جهانی شدن و شبکه‌ای شدن اطلاعات، شکاف‌های عمیق میان ملت‌ها و رژیم‌های سیاسی حاکم بر کشورهای آفریقایی که ضعف جامعه مدنی و نیز ضعف مدیریت و رهبری سیاسی در این کشورها، مشکل مزبور را دو چندان کرده است. تراکم بحران‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و نبود برنامه‌های راهبردی درازمدت به منظور رفع و مدیریت بحران‌ها، کندی آهنگ رشد اقتصادی با توجه به شیوه‌های متکثر و ناهماهنگ تولید، ضعف و ناکارآمدی و ناکارکردی دولت‌ها برای مهار فرایندهای غیرقانونی از قبیل قاچاق مواد مخدر، تروریسم، جنایات سازمان یافته گروه‌های مافیایی، مهاجرت‌های غیرقانونی از قاره سیاه به دیگر قاره‌ها و نسل‌کشی موارد فوق، بیانگر آن است که بسترهای لازم برای هماهنگی و همکاری سازمان یافته و منسجم بین ایران و اتحادیه آفریقایی مهیا نیست؛ به ویژه آنکه غلبه بر این مشکلات ساختاری نیازمند زمانی موسع است که فراخور نیازهای فوری ایران نیست.^(۱۹)

در سطح کارکردی نیز می‌توان به رخنه و مداخله بازیگران فرامنطقه‌ای چون ایالات متحده و اتحادیه اروپا و نیز شرکت‌های چندملیتی و کمپانی‌های نفتی آمریکایی و اروپایی، ناتوانی زمامداران آفریقایی در تعریف منافع کلان و اهداف استراتژیک قاره سیاه، پیشرفت آهسته در زمینه‌های تغذیه و بهداشت، استفراض روزافزون کشورهای آفریقایی در مقایسه با درآمدهای حاصل از صادرات، ضعف بهره‌وری و سطح نازل فناوری و توسعه اقتصادی اشاره کرد که دستیابی ایران به مواضعی مشترک و هماهنگ با کشورهای آفریقایی را در حاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد.^(۲۰)

راهکارهای فراروی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو ناظر اتحادیه آفریقا

اگرچه جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با همکاری با آفریقا در عرصه‌های کشاورزی و در طرح‌های توسعه‌ای و با اولویت بخشی به دیپلماسی اقتصادی، زمینه‌های تعامل با این قاره را گسترش بخشد، اما نیاز کشورهای آفریقایی به کمک‌های مالی و اقتصادی نباید تنها عامل تشویق‌کننده برای گسترش روابط ایران و اتحادیه آفریقا قلمداد گردد، بلکه باید ضمن تأکید بر هویت ملی و شخصیت حقیقی ملت‌ها و کشورها در جنبه‌های فردی و اجتماعی بیشتر بر سیاست‌های نرم‌افزاری و میان‌تمدنی تأکید شود. تأکید جمهوری اسلامی ایران بر ضرورت خودباوری ملت‌های آفریقایی به منظور دستیابی به استقلال و حاکمیت بر تعیین سرنوشت خود و گسترش روحیه عدالت‌خواهی و حق‌طلبی، تنها در سایه بیداری جوامع آفریقایی و هویت‌یابی و خودآگاهی فرهنگی آنان امکانپذیر است.^(۲۱)

هرچند جمهوری اسلامی ایران از رهگذر عضویت ناظر در اتحادیه آفریقا می‌تواند در پیشبرد اهداف ضداستکباری و عدالت‌خواهی خویش از طریق تأکید بر برخورداری از حمایت اکثریت عددی کشورهای قاره سیاه توفیق یابد، ولی باید توجه داشت که تنها تکرر و تعدد کشورها نشانگر قدرت و اقتدار آنان نیست، بلکه آن اکثریت عددی باید توأم با کارایی در تصمیم‌گیری‌ها باشد که این مهم، مستلزم اراده مستحکم سیاسی و احساس هویت مشترک دولت‌های عضو اتحادیه آفریقا است؛ از این رو جمهوری اسلامی ایران باید بتواند ضمن تکیه بر ظرفیت‌ها و قابلیت‌های نرم‌افزاری و غیرقابل انکار خود در زمینه تحقق اهداف اصولی و عدالت محور خویش علاوه بر غلبه بر فشارهای برون سیستمی و برون سازمانی، به رغم مواجهه با تنوع نظرات منشأ وحدت نظر اعضا

باشد. در این رهگذر، استفاده از دیپلماسی رسانه‌ای به منظور تصویرسازی^۱ مناسب و اهتمام به همکاری‌های رسانه‌ای و فرهنگی با کشورهای آفریقایی از طریق اتحادیه آفریقا می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را در بسترسازی برای اشتراک مساعی با قاره سیاه و وحدت مواضع و دیدگاه‌های استقلال طلبانه و استکبار ستیزانه یاری بخشد.

در هر صورت، دیپلماسی عمومی، رسانه‌ای و فرهنگی ایران باید بر محورهای زیر استوار باشد: تجهیز استعدادهای نهفته و اعتماد به نفس و خودباوری فرهنگی و تمدنی آفریقاییان، توجه به ویژگی‌های چندفرهنگی، چندقومیتی و چندزبانی قاره سیاه، تأکید بر قدرت علمی و نرم‌افزاری ایران در انتقال دستاوردهای علمی و تکنولوژی به آفریقا، تأکید بر ضرورت بازسازی همکاری‌های جنوب - جنوب برای مقابله با چالش‌های شمال، اهتمام به فعالیت بخش خصوصی در عرصه اقتصادی و فعالیت نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم نهاد (NGO) در عرصه سیاسی و فرهنگی و اجتماعی، تأکید بر همکاری‌های بین منطقه‌ای و بین‌قاره‌ای در چارچوب نهادهای چندجانبه منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، تعیین آثار سوء فعالیت شرکت‌های چندملیتی کشورهای شمال و تشریح ضرورت کنترل و نظارت بر سرمایه‌گذاری‌های کشورهای شمال و به طور کلی، آگاهی بخشی به ملت‌های آفریقا در خصوص انگیزه‌های سودجویانه و توسعه طلبانه قدرت‌های فراقاره‌ای و ضرورت اهتمام به همکاری‌های فزاینده آفریقا با کشورهای در حال توسعه.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت، مشخص گردید که عضویت ناظر جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه آفریقا می‌تواند توانمندی‌های دیپلماسی کشور را در عرصه‌های

^۱ . Image building

درون‌قاره‌ای، بین‌قاره‌ای و فراقاره‌ای ارتقا بخشد و قدرت چانه‌زنی ایران را در مسائل و موضوعات مربوط به صلح، ثبات و توسعه در آفریقا، همکاری‌های بین‌خاورمیانه و آفریقا، به ویژه همکاری‌های نهادی و چندجانبه و نیز اشتراک مواضع با آفریقا در خصوص چالش‌های بین‌المللی و در چارچوب نهادهای بین‌المللی افزایش دهد. در این رهگذر، تأکید جمهوری اسلامی ایران باید بر تلاش برای دستیابی به هویت مشترک از طریق گفت‌وگوی میان تمدنی استوار باشد؛ چراکه در سایه هویت‌یابی واحد است که امکان وصول به هنجارها و منافع مشترک امکانپذیر می‌گردد. برای دستیابی به این هدف، دیپلماسی رسانه‌ای ایران به منظور هنجارسازی و منفعت‌سازی مشترک باید فعال گردد؛ از این رو تجربه جدید جمهوری اسلامی ایران در زمینه همکاری با آفریقا از طریق عضویت ناظر در اتحادیه آفریقا باید بر اثبات هویت و هنجار مشترک و بر اساس نوعدوستی و پذیرش تنوع فرهنگی و نفی هرگونه اهداف نامطلوب سیاسی که در نهایت به عقب‌افتادگی بیشتر جوامع آفریقایی منجر گردد، استوار باشد. درک نیازهای واقعی آفریقا در زمینه‌های فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی و سعی در تأمین آنها با توجه به امکانات کشور و با اتکا به اصول فرهنگی، علمی و اقتصادی مورد قبول با ایجاد فضای مناسب سیاسی و فرهنگی در این زمینه می‌تواند راهگشای گسترش روابط با قاره سیاه باشد.

افزون بر این، بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از ظرفیت‌های عضویت ناظر در اتحادیه آفریقا، در صورتی امکانپذیر است که متکی به مباحث کارشناسی در زمینه کمک‌های اقتصادی و فنی با استفاده بهینه از فرصت‌های به دست آمده باشد. همکاری‌های اقتصادی در صورتی به منافع دو طرف می‌انجامد که مبتنی بر درک متقابل ارزش‌های فرهنگی و اعطای خودباوری و خوداتکایی به ملل آفریقا و دادن شخصیت

حقیقی به آنان با اتکا به هویت ملی، دینی و فرهنگی مردم قاره سیاه و رفع تحقیر و حقارت آنان است که توسط استعمارگران به آنان باورانده شده است؛ بنابراین تلاش جمهوری اسلامی ایران باید بر اعطای شخصیت و هویت مستقل به مردم آفریقا با تبیین غنای فرهنگی و تمدنی آفریقا متمرکز باشد؛ به گونه‌ای که اتحادیه آفریقا بتواند در تعامل فرهنگی با جهان به صورت فعال و پویا عمل کند.

واقعیت آن است که گسترش روابط سیاسی و اقتصادی با اتحادیه آفریقا از رهگذر عضویت ناظر در این سازمان بین‌المللی، منوط به توسعه روابط فرهنگی و دینی با کشورهای عضو است. ملتی که خود را با ملت دیگر بیگانه بداند و هیچ‌گونه احساس مشترک فرهنگی با آن نداشته باشد، نمی‌تواند پذیرای آزادانه گسترش روابط سیاسی و اقتصادی باشد؛ به ویژه آنکه در عصر کنونی قدرت نرم‌افزاری و فرهنگی، بسترساز رسیدن به اهداف سیاسی و اقتصادی است، از این رو جمهوری اسلامی ایران به منظور بهره‌گیری از ظرفیت‌های عضویت ناظر در اتحادیه آفریقا ناچار به توسعه روابط فرهنگی با کشورهای عضو این اتحادیه به منظور ارتقای سطوح همکاری‌های سیاسی و اقتصادی با آفریقا است.

پی‌نوشت‌ها

۱. بهمن حسین‌پور دستگلی، «از سازمان وحدت آفریقا تا اتحادیه آفریقا»، رساله ارتقای مقام به رایزن یکمی، تهران: اداره کل آموزش و توسعه نیروی انسانی، وزارت امور خارجه، زمستان ۱۳۸۴، صص ۹۴-۹۵.

۲. محسن قانعی، گزارش چهارمین اجلاس عادی مجمع سران اتحادیه آفریقا، تهران: اداره اول آفریقا، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴ و محسن موحدی‌قمی، «اجلاس سران اتحادیه آفریقا در سودان»، فصلنامه مطالعات آفریقا، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، صص ۲۷۷-۲۷۸.

3. [http://: www. Panapress.com.20053](http://www.Panapress.com.20053).

۴. محسن موحدی‌قمی، «اجلاس سران اتحادیه آفریقا در سودان»، فصلنامه مطالعات آفریقا، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، صص ۲۷۴-۲۷۵ و محسن قانع، گزارش پنجمین نشست عادی سران در سیرت لیبی، تهران: اداره اول آفریقا، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.

5. Paul Nantulya, "Sudan: Causes of Conflict and the Peace Process", *Electronic Briefing Paper*, Center for International Political Studies (CIPS), No.55, 2004.

۶. بهمن حسین‌پور دشتگلی، پیشین، صص ۷۲-۷۷.

۷. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: محمدحسن معظمی گودرزی، «نفت در آفریقا: اقدام قاره‌ای جدید آمریکا»، فصلنامه مطالعات آفریقا، شماره دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، صص ۲۶۱-۲۴۸.

۸. عین‌الله قشقاوی، «روند شکل‌گیری اتحادیه آفریقا با الگوبرداری از اتحادیه اروپا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تابستان ۱۳۸۴، صص ۱۵۷-۱۵۶.

۹. رضا زندگی، «چالش در اوپک با نفت ۷۰ دلاری»، روزنامه شرق، شماره ۷۳۹، ۲۹ فروردین ۱۳۸۵، ص ۴.

۱۰. محسن قانع، «گزارش اجلاس سران آسیا و آفریقا»، تهران، اداره اول آفریقا، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.

۱۱. «حمایت غیرمتمهدها از ایران»، روزنامه شرق، شماره ۷۸۳، ۲۴ خرداد ۱۳۸۵، ص ۳.

۱۲. «بیانیه کشورهای عضو جنبش عدم تعهد در اجلاس شورای حکام» - وین (۲۴ نوامبر ۲۰۰۵)، همشهری دیپلماتیک، شماره ۷۶، ۱۲ آذر ۱۳۸۴، ص ۱۶.

۱۳. عین‌الله قشقاوی، پیشین، صص ۷۰-۶۹ و ۹۲-۹۱.

۱۴. «کمپته کارشناسی آفریقا، اتحادیه آفریقا و رأی منفی به قطعنامه نقض حقوق بشر در سودان»، تهران: اداره کل اخبار خارجی صدا و سیما، ۱۰ آذر ۱۳۸۴.

15. <http://www.africanunion.org>, 2005

۱۶. برای اطلاعات بیشتر ر.ک.: منوچهر منکی، «عدالت‌خواهی؛ رمز موفقیت عدم تعهد در هزاره سوم، روزنامه شرق، شماره ۷۷۴، ۱۰ خرداد ۱۳۸۵، ص ۵.

۱۷. «اجلاس سران اتحادیه آفریقا برای سازماندهی آفریقا»، روزنامه شرق، ش ۷۹۸، ۱۲ تیر ۱۳۸۵، ص ۹.
۱۸. محمدعلی ناجی‌راد، «جهان سوم: مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی»، رساله ارتقای مقام به رایزن یکمی، تهران: اداره کل آموزش و توسعه انسانی، وزارت امور خارجه، اردیبهشت ۱۳۸۴، صص ۸۳-۸۱.
۱۹. حسین دهشیار، نگاهی تنوریک به سیاست آمریکا در قاره آفریقا: از بازدارندگی تا گسترش، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۱۹۸-۱۹۷، بهمن و اسفند ۱۳۸۲، صص ۲۰-۱۸.
۲۰. بهمن حسین‌پور دشتگلی، پیشین، صص ۱۰۱-۱۰۴.
۲۱. محمدرضا قزل سفلی، توسعه فرهنگی و گسترش روابط با آفریقا، جامعه و فرهنگ آفریقا، ش ۴۴، اداره غرب و مرکز آفریقا، اداره کل فرهنگی آفریقا - عربی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، بهار ۱۳۸۱، صص ۱۵-۳.